



## بررسی کتاب

سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران / نویسنده: علی شکوری،  
تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها  
(سمت)، ۱۳۸۴، هفت، ۲۹۵ص.



سیاست‌های توسعه کشاورزی قبل از انقلاب در زمینه‌های مختلف از قبیل سرمایه‌گذاری و قیمت‌گذاری و توجه به واحدهای کشت و صنعت منجر به ایجاد شکاف درآمدی بین شهرها و روستاها و به تبع آن مهاجرت شدید روستاییان به شهرها و کلان شهرها گردید و نیز باعث واردات سریع و انبوه مواد غذایی و کشاورزی به ایران شد. این سیاست‌ها و نتایج حاصل از آن بعد از پیروزی انقلاب مورد نقد و بررسی گسترده کارشناسان، دولتمردان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی قرار گرفت. در این راستا دولت‌های بعد از انقلاب با محور قرار دادن امر توسعه کشاورزی اقدامات نسبتاً گسترده‌ای را در زمینه سازماندهی مجدد مدیریت کشاورزی و روستایی و نیز اجرای برنامه‌های توسعه روستایی صورت دادند. یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها، توجه بنیادی به اصل خودکفایی در تولید مواد غذایی و توزیع درآمدی بالا در سطح روستاها بود.

علی‌رغم وجود ادبیات و تحقیقات پراکنده در زمینه توسعه کشاورزی، سیاست‌های مرتبط با این موضوع در دوره‌های قبل و حتی بعد از انقلاب با توجه به برنامه‌های عمرانی

و توسعه اقتصادی و اجتماعی به ندرت به طور منظم مورد بررسی واقع شده است. این کتاب رویکردی بین‌رشته‌ای، عوامل چندگانه را به صورت تعاملی در بر می‌گیرد؛ از این منظر، توسعه روستایی و توسعه کشاورزی به عنوان مفاهیمی نظام‌مند و نزدیک به هم در نظر گرفته شده‌اند، بدین معنی که رابطه‌ای عام و خاص بین آنها حاکم است. توسعه روستایی در مقایسه با توسعه کشاورزی به موضوعات گسترده‌تری اشاره دارد و به مراتب فراتر از تولید کشاورزی است. هر اقدامی که برای توسعه و آبادانی روستاها صورت گیرد بر تولید محصولات کشاورزی نیز تأثیر می‌گذارد و همین‌طور هر اقدامی که در بخش کشاورزی صورت پذیرد شرایط زندگی روستاییان را از لحاظ اشتغال، درآمد و غیره و به طور کلی توسعه روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این کتاب به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) سیاست‌های کشاورزی در قبل و بعد از انقلاب و سیاست‌های عموماً و نه الزاماً معطوف به مداخله دولت در فرایند تغییر کشاورزی را در بستر توسعه مورد مذاقه قرار داده است.

کتاب حاضر در چهار فصل تنظیم شده است. فصل اول عمدتاً به مروری بر ادبیات موجود در حوزه توسعه کشاورزی می‌پردازد و مباحثی همچون نقش و اهمیت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی، دیدگاه‌های توسعه کشاورزی در دوره‌های مختلف تاریخی با توجه به دیدگاه‌های صاحب‌نظران توسعه، ماهیت دولت در دورنمایی تاریخی با توجه به نقش و اهمیت آن در جامعه ایران و سیاست‌های توسعه آن، و رویکردهای توسعه روستایی و کشاورزی ایران طی دوره‌های مختلف را در بر می‌گیرد. در فصل دوم، ارزیابی سیاست‌های توسعه کشاورزی قبل از انقلاب مورد نقد واقع شده است. مباحث مورد بحث عبارت است از: دورنمای تاریخی تحولات و تغییرات کشاورزی، جایگاه بخش کشاورزی در سیاست‌های توسعه و برنامه‌های عمرانی این دوره، عملکرد سیاست‌ها در خصوص بخش کشاورزی، و جمع‌بندی.

فصل سوم به ارزیابی سیاست‌های توسعه کشاورزی بعد از انقلاب می‌پردازد. در این فصل، با توجه به اهمیت نقش انقلاب در شکل‌گیری و جهت‌دهی سیاست‌ها، موضوع‌هایی مانند بنیان‌ها و تحول جامعه و دولت با توجه به مسائل روستایی و

کشاورزی، مهم‌ترین طرح‌ها و سیاست‌های کشاورزی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی، و عملکرد بخش کشاورزی با توجه به این سیاست‌ها بررسی می‌شود.

فصل چهارم خلاصه‌ای است از فصل‌های قبل، به گونه‌ای که تحولات سیاست‌های توسعه کشاورزی در قبل و بعد از انقلاب به‌طور تطبیقی تحلیل می‌گردد و پیشنهادهایی ارائه می‌شود. سپس چشم‌انداز بخش روستایی و کشاورزی کشور در آینده در حد طرح مسئله ترسیم می‌گردد.

کتاب *سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران* دارای نثر روان است و موضوعات کتاب با دقت و نظم منطقی تدوین شده است اما جای نمایه تخصصی در پایان کتاب خالی است. مطالعه این کتاب را به کلیه کسانی که خواهان کسب اطلاعاتی عام و جامع در زمینه توسعه کشاورزی، اقتصادی، روستایی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای هستند، پیشنهاد می‌کنیم.

دکتر علی شاه‌شجاعی

\* \* \*

*Sustainable Rural Development*/Written by Andrew  
Shepherd, London: Macmillan, 1998, 294 p.



توسعه روستایی پایدار/نویسنده اندرو شپرد، لندن: مک میلان ،  
۱۹۹۸، ۲۹۴ ص.

اگر چه کتاب توسعه روستایی پایدار در سال ۱۹۹۸ به نگارش درآمده است اما هنوز هم موضوع‌های مطرح شده در آن جذابیت‌های فراوانی برای دست‌اندرکاران توسعه

دارد. این کتاب شامل ده بخش است که به بررسی مباحث توسعه روستایی در دهه گذشته می‌پردازد.

در بخش اول در مورد انگاره سنتی و جدید توسعه و پیامدهای انتقال و تغییر آن بحث شده است. مؤلفه زیربنایی این انگاره مدرنیزاسیون است که آثار و پیامدهای آن تحلیل شده است. همچنین اقدامات و راه‌حلهایی که در حوزه سیاست‌گذاری در چارچوب انگاره سنتی برای رفع پیامدهای منفی مدرنیزاسیون به اجرا درآمده مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در میان این راه‌حل‌ها، برنامه‌های تعدیل ساختاری و آزادسازی تجاری از اهمیت خاصی برخوردار است. اگرچه سیاست‌های تعدیل ساختاری و آزادسازی تجاری ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای کاهش حجم دولت و مداخلات آن و کاهش ناکارایی‌ها به وجود آورده اما در مجموع نتوانسته است نتایج چندان امیدوارکننده‌ای برای کشورهای فقیر در بر داشته باشد.

شکست انگاره سنتی موجبات ظهور انگاره‌ای جدید را در حوزه توسعه روستایی فراهم آورده است. جایگزینی کیفیت به جای کمیت یکی از وجوه متمایز این دو انگاره است. در انگاره قدیم رشد کمی و اقتصادی به هر قیمتی حتی نابودی محیط زیست و ظهور حکومت‌های مستبد و توتالیتر دنبال می‌شد، حال آنکه در انگاره نوین رشد کیفی همچون ارتقای کیفیت محیط زیست، آزادی و برابری مورد توجه خاص قرار گرفته است. در حقیقت سه مؤلفه زیر بنای انگاره نوین توسعه را تشکیل می‌دهند: منطقه‌ای بودن، کثرت‌گرایی فرهنگی و پایداری زیست محیطی.

بخش دوم به کشاورزی پایدار پرداخته است. در ابتدا تاریخچه‌ای از توسعه کشاورزی ارائه، و انتقاداتی که بر انقلاب سبز وارد است تحلیل شده است. این انتقادات را می‌توان در ۶ دسته زیر طبقه‌بندی کرد: بروز بی‌عدالتی‌های منطقه‌ای، بروز بی‌عدالتی‌های اقتصادی - اجتماعی، بروز تضاد، ناتوانی انقلاب سبز در تأمین امنیت غذایی، هزینه‌های بهداشتی و زیست‌محیطی برای انسان، و تخصیص ناکارای منابع دولتی در امر تحقیق و توسعه.

در کشاورزی پایدار باید از اتکا به نهاده‌های بیرونی اجتناب شود، و موضوع حفاظت و حمایت از محیط زیست باید در مسائل مربوط به تولید ادغام شود. در مدل‌های گذشته دهقان یک واحد حداکثرکننده سود تلقی می‌شد، حال آنکه در مدل‌های جدید کشاورزان با گزینه‌ها و مخاطره‌های متفاوتی مواجه هستند. در گذشته خانوار واحد پایه محسوب می‌شد اما در حال حاضر گفته می‌شود که خانواده از افراد متفاوتی تشکیل شده است که چه بسا دارای منافع متفاوتی باشند.

در بخش سوم مسئله کالاهای مشترک مطرح شده است. کالاهای مشترک نقش مهمی در تأمین معیشت افراد و خانوارها دارند. در جوامع دهقانی خانوارها برای تأمین آب شرب و غیرشرب متکی به منابع مشترک هستند. در واقع رفاه این خانوارها به میزان دسترسی، کیفیت و پایداری این منابع بستگی دارد. در انگاره سنتی اغلب تمایزی میان کالاهای مشترک و کالاهای همگانی وجود نداشت و به همین دلیل مشکلات فراوانی در مدیریت و نگهداری این کالاها ایجاد می‌شد. در انگاره جدید عدم مداخله دولت، به خصوص در حوزه‌هایی نظیر اداره و مدیریت کالاهای مشترک اهمیت خاصی دارد. هر جامعه‌ای باید ساختارهای نهادی و سازمانی خاص خود را برای مدیریت و اداره پایدار این کالاها فراهم آورد و هر گونه مداخله بیرونی باید با در نظر گرفتن تمامی ابعاد انجام شود. نویسنده در قسمت دیگری از این بخش، منابع ژنتیکی را نوعی کالای همگانی محسوب می‌کند. منابع آب و جنگل به عنوان کالاهای مشترک در این بخش مورد بحث قرار گرفته است. علاوه بر کالاهای عمومی و مشترک، خدمات مشترک نیز وجود دارد که شامل آموزش، امنیت و خدمات بهداشتی است؛ این خدمات را در مناطق روستایی عمدتاً خود روستاییان تأمین می‌کنند، بنابراین آنها باید نقش اساسی در تصمیم‌گیری داشته باشند.

در بخش چهارم موضوع فقر مورد بررسی قرار گرفته است. فقر پدیده پیچیده‌ای است که رشد اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند آن را کاهش دهد. کاهش فقر با استفاده از

ابزارهایی مانند برنامه‌های توسعه، اعتبار، پس انداز، اشتغال، بیمه و تأمین اجتماعی امکان‌پذیر است.

عنوان بخش پنجم، پروژه است. پروژه‌ها نقش مهمی در انگاره سنتی توسعه روستایی ایفا کرده و با مشکلات فراوانی هم مواجه بوده‌اند. دلیل شکست پروژه‌ها، وجود فرضیات غلط زیربنایی آنها بوده است. یک فرضیه غلط این بوده است که ابعاد متفاوت پروژه را می‌توان کنترل کرد، در حالی که این مسئله در عمل امکان‌پذیر نیست. گرایش به کنترل باعث شده است تا نتوان از ظرفیت مشارکت مردم برای پیشبرد پروژه استفاده کرد. یک پروژه دارای مراحل متفاوتی نظیر تعیین و تعریف، آماده‌سازی، طراحی، ارزیابی، انتخاب و تأیید، سازماندهی، اجرا و عملیات، و اتمام و ارزشیابی است. در اغلب موارد، مرحله طراحی بسیار مورد تأکید قرار می‌گیرد و برای رفع نواقص و مشکلات آموزش‌هایی داده می‌شود در حالی که مدیریت و اجرا چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در انگاره سنتی اقتصاددانان در تمام مراحل پروژه نقش مهمی دارند و تحلیل هزینه - فایده اساس کار آنها را تشکیل می‌دهد. در انگاره جدید برنامه‌ها و فرایندها جایگزین پروژه می‌شود. ارزیابی مشارکتی روستایی و تحلیل‌های زیست محیطی، اجتماعی و سیاسی در این فرایند گنجانده شده است.

در بخش ششم رهیافت‌های کل‌نگر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نویسنده معتقد است که یکی از مشکلات پروژه‌ها توجه به مسائل اقتصادی و مالی و نادیده گرفتن سایر مسائل اقتصادی و اجتماعی است. در انگاره جدید، رهیافت توسعه روستایی رهیافتی کل‌نگر است که بر معیشت، و توسعه اجتماعی و زیست‌محیطی فقرا متمرکز است.

موضوع اصلی بخش هفتم، مشارکت است. علی‌رغم تلاش‌هایی که در طول دو دهه گذشته برای گسترش مشارکت فقرا و گروه‌های حاشیه‌ای و خارج از جریان توسعه صورت گرفته، هنوز این مهم عملی نشده است. مشارکت در توسعه روستایی تنها به معنای درگیر کردن مردم در پروژه‌های توسعه نیست بلکه به مفهوم ایجاد سازمان‌هایی

است که از طریق آنها فقرا بتوانند دیدگاه‌های خود را بیان، و از منافع خود دفاع کنند. در این زمینه مسائلی نظیر عضویت، قوانین و روابط میان این گروه‌ها و سازمان‌ها دارای اهمیت است. نهادهای توسعه در فرایند گسترش و توسعه این گروه‌ها و سازمان‌ها می‌توانند به عنوان تسهیلگر عمل کنند و آنها را با منابع قانونی، اقتصادی و حقوقی مرتبط سازند.

نهادهای توسعه و ساختار آنها مبحثی است که بخش هشتم به آن اختصاص یافته است. به اعتقاد نویسنده ماهیت توسعه روستایی در حال تغییر است، و آن دسته از سازمان‌های غیردولتی توسعه و شبکه نهادهای توسعه که در آنها متخصصان نقش تسهیلگر را ایفا می‌کنند و به ارائه مشاوره می‌پردازند، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. لازم است نهادهای توسعه ریشه در جوامع داشته باشند و خدمات خود را با توجه به ظرفیت‌ها و توان محلی ارائه دهند.

بخش نهم به بحث تغییر سازمانی می‌پردازد. به اعتقاد نویسنده، تغییر سازمانی یک موضوع اساسی در توسعه روستایی است که بخش عمومی و سازمان‌های غیر دولتی را هم در بر می‌گیرد.

نویسنده در بخش پایانی کتاب به جمع‌بندی مباحث می‌پردازد. یکی از اصول انگاره جدید توسعه، عقب‌نشینی دولت است و یکی از عوامل تسریع‌کننده این جریان، سیاست‌های تعدیل ساختاری است. این عقب‌نشینی زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که دولت بتواند در حوزه‌های سیاست‌گذاری تأثیر بیشتری داشته باشد. این حوزه‌ها فراتر از مدیریت اقتصادی کلان است و شامل موضوعاتی نظیر تعیین قیمت‌ها و استانداردهای عمومی یا سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش و اطلاعات می‌شود. با کاهش نقش دولت، بخش سوم که همانا جامعه مدنی است اهمیت بیشتری می‌یابد.

نویسنده کتاب، اندرو شپرد استاد ارشد در گروه مدیریت توسعه در دانشگاه بیرمنگام انگلیس است. او تجارب فراوانی در زمینه تحقیقات و مشاوره در آفریقا و جنوب آسیا دارد و در سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ هماهنگ‌کننده منطقه‌ای یونسف در سودان بوده است.

میترا معظمی



